

# جمهوری اسلامی ایران و گشودن افق‌های جدید فقهی

○ کمال اکبری\*

چکیده

پس از واقعه عظیم پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام دینی سؤالات و مسائل مهم زیادی در حکومت مطرح گردید که فقه سیاسی لزوماً باید به آنها می‌پرداخت و برای حل مشکلات، سؤالات و گره‌ها جواب ارائه می‌نمود. مهمترین تأثیر این تحولات تأثیر در نحوه نگاه فقها به مسائل نوپدید بود و مسائل اتفاق افتاده موجب شد افق‌های جدیدی پیش روی فقها گشوده شود. تخصصی شدن فقه سیاسی و به وجود آمدن شاخه‌های جدیدی مثل فقه امنیت، فقه مصلحت، فقه اطلاعات و... از جمله نتایج این تحول است. همچنین اصل نگاه به مسائل حکومت و اجتماعی دیدن مسائل فقه و معطوف به حل مسائل جامعه دیدن آن نیز تحول دیگری در این خصوص محسوب می‌گردد. پویایی و تحول در فقه، تغییر نگاه به رابطه مردم و حکومت، تلاش در جهت سازگار کردن میان احکام فقهی و واقعیت‌های اجتماعی سیاسی و فراهم شدن زمینه‌های تتبع فقهی، افق‌های جدیدی فرا روی فقها در نوع نگاه به مسائل فقه سیاسی گشود.

کلید واژگان: فقه سیاسی، پویایی، تحول، افق‌های جدید، انقلاب اسلامی، حکومت دینی.

\* استادیار دانشکده صدا و سیما.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در پرتو تلاش فکری و عملی عالمان دینی و با تکیه بر ظرفیت فقه سیاسی شیعه تشکیل شد و از این منظر محصول معرفت عمیق فقه سیاسی بوده است که در نظریه های ولایت فقیه و به ویژه نظریه امام خمینی (ره) خود را نشان داد.

پس از واقعه عظیم پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام دینی سؤالات و مسائل مهم زیادی راجع به حکومت مطرح شد؛ به ویژه پس از تجربه عملی حکومت در دهه اول سؤالات و گره های زیادی خود را نشان داد که فقه سیاسی لزوماً باید به آنها می پرداخت و برای حل مشکلات، سؤال ها و گره ها جوابی ارائه می کرد.

مهم ترین نتیجه این تحولات تأثیر در نحوه نگاه فقها به مسائل نوپدید بود که موجب شد افق های جدیدی پیش روی فقها گشوده شود که تغییر در نحوه استنباط احکام شرعی و به کارگیری روش های پژوهش فقه تا حصول نتایج و صدور احکام شرعی را در بر می گیرد.

افق های جدید فکری، موجب افزوده شدن به مسائل فقهی و همچنین توجه به برخی مسائل مغفول شد. به عنوان مثال، فقه در این دوره باید به صورت تخصصی به حکومت پردازد؛ یعنی فقه تخصصی اداره حکومت به وجود آید که شامل فقه امنیت، فقه مصلحت، فقه اجتماعی و ... است.

وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام مبتنی بر فقه شیعه اثر اساسی خود را در مواجهه فقها با مقوله حکومت گذاشت؛ چون به دست گیری قدرت و مواجه شدن با مسائل مختلف فکری و اجرایی منجر به حل آنها از طریق مراجعه به فقه و یافتن پاسخ ها در آن شد. این امر به باز شدن فضای جدیدی در فقه سیاسی منجر می گردد. تخصصی شدن فقه سیاسی و به وجود آمدن شاخه های جدیدی مثل فقه

امنیت، فقه مصلحت، فقه اطلاعات و ... از جمله نتایج این تحول است. همچنین اصل نگاه به مسائل حکومت و اجتماعی دیدن مسائل فقه و معطوف به حل مسائل جامعه دیدن آن نیز تحول دیگری در این خصوص محسوب می‌گردد.

با پذیرش انفتاح باب علم و اجتهاد مطلق در فقه شیعه توانایی سیستم اجتهاد برای پویایی و تحول و دارا بودن ظرفیت پاسخگویی زیاد می‌شود. بسیاری از موارد لازم برای انفتاح باب علم و پویایی فقه درون فقه شیعه دیده شده است که از جمله آنها زنده بودن مجتهد و امکان تطبیق دستورهای کلی بر رویدادها و موضوعات و استنباط احکام پدیده‌های نوظهور است. اینکه فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که باید از مجتهد زنده تقلید کرد آثار خودش را به صورت ملموس در فقه سیاسی برجای می‌گذارد. این امر می‌تواند استمرار اجتهاد و از سوی دیگر ارتباط دائمی بین مجتهد و مقلدان را فراهم کند.

همچنین، مجتهد باید در فهم مراد الهی به ثابتهای و متغیرها توجه کند و زمان خویش و تحولات اقلیمی را نیز بشناسد. اگر در فقه پویا - که نیازمند نگاه به شرایط زمانی و مکانی است - به شرایط و بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توجه نشود امکان پاسخگویی به پدیده‌های نوظهور، بسیار مشکل می‌شود.

علاوه بر اجتهاد مطلق و شناخت زمان و مکان، برای اجتهاد نیازمند تخصص‌گرایی نیز هستیم؛ چون در عصر کنونی، فهم دقیق در همه امور به ویژه امور نوظهور امر مشکلی است.

گسترش، پویایی و تحول در فقه

پویا شدن و پویا بودن فقه شیعه به معنای رشد، گسترش، توسعه و در عین حال جواب‌گو بودن نسبت به مسائل نوظهور است؛ چرا که جامعه اسلامی و مکلفان هیچ‌گاه احساس خلأ نکرده و همواره نسبت به مسائل جدید جواب‌های خود را از

فقه‌های عصر دریافت کرده‌اند. در اینکه پویایی چیست و امروزه معنای اصلی آن محقق شده است یا خیر، چند نظریه وجود دارد:

۱. پویایی به معنای گسترش فقه است؛ بدین بیان که در دوره‌های نخستین فقها و در کتاب‌های آنان مثل کتاب ابن ابی عقیل عمانی (م ۳۵۰ هـ. ق) یا شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶ هـ. ق) کل فقه از نظر حجم مسائل مختصر بوده و بیش از یک جلد نمی‌شده و کل فقه در یک کتاب چند صد صفحه‌ای نگاشته شده بود. اما در زمان نگارش جواهر الکلام این حجم به بیش از ده برابر افزایش یافت و دوره کامل فقه در عصر ما به یکصد و پنجاه جلد رسیده است.<sup>۱</sup>

گرچه این نظریه مورد نقد قرار گرفته است و برخی این نوع از پویایی را تورم نام نهاده و آن را لزوماً با پویایی مترادف ندیده‌اند، اما گستردگی مباحث در نتیجه تلاش و استنباط و جواب‌گویی به مسائل است.

۲. پویایی فقه بدین معناست که علاوه بر رشد کمی، امکان جواب‌گویی به سؤالات و برطرف کردن گره‌های فردی و اجتماعی را داشته باشد. به علاوه اینکه در روش‌های فقه پژوهی و شیوه استنباط احکام نیز دچار تحول یا برگزیدن سبک‌های نوین باشد تا روز آمدی خود را کاملاً نشان دهد.

تحول در فقه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 فقه شیعه بر اساس قواعد شکل‌دهنده و منابع و مبانی استدلال‌هایش، ابعاد نظری گسترده‌ای دارد. اما آنچه از فقه عمومی انتظار می‌رود و فقه نیز همان را دنبال می‌کند، جواب‌گویی به سؤالات مکلفان در عرصه عمل است. فراتر از آن، فقه باید بتواند نظام سیاسی را اداره کند و نیازهای جامعه و حکومت را نیز برآورده کند؛ زیرا موضوعات سیاسی به ویژه در عصر کنونی سیال و در معرض تغییر است، لذا

۱. حسینی شیرازی، الفقه.

تغییر در آرا و نظریات فقهی نیز قابل توجه خواهد بود.

اگر چه منابع، مبانی و روش استدلال فقهی نیز تفاوت نکند، ولی احتمال تغییر در رأی وجود دارد؛ زیرا گاهی موضوعات تغییر اساسی می کنند. تغییر در موضوعات و سپس تغییر در حکم از دیرباز مورد نظر فقهای شیعه قرار داشته است. شیخ طوسی معتقد است:

علم فقه با تقلب احوال و تغلب رجال و تطاول روزگار و تفاوت ادوار و

تبدل ملل و دول تغییر می یابد.<sup>۲</sup>

در دوره معاصر نیز فقها در این زمینه نکات بسیاری را بیان کرده اند.

بعضی از موضوعات اجتماعی به کلیت جامعه مربوط می شود و برخی کارکردهای جامعه و نظام اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد و بعضی نیز موضوعات را از موضع قدرت سیاسی و سیستم سیاسی مورد توجه قرار می دهند. فقه در همه این فروض در حوزه فردی تصمیم نمی گیرد، بلکه در حوزه تاثیر و تاثر جامعه، افراد و نظام حکومتی است که جواب مسائل را مشخص می کند. فقه سیاسی به مسائل فردی تا اجتماعی پرداخته است به گونه ای که امام خمینی (ره) معتقد است:

اسلام از قبل از تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته است؛ تا آن وقت که در عائله زندگی می کند، شالوده اجتماع عائله ای را ریخته است و تکلیف را معین نموده است؛ تا آن وقت که در تعلیم وارد می شود؛ تا آن وقت که در اجتماع وارد می شود؛ آن وقت که روابطش با سایر ممالک و سایر دول و سایر ملل هست تمام اینها برنامه دارد. تمام اینها تکلیف است.<sup>۳</sup>

۲. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۴۱.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۹.

برخی از فقها در عصر جدید و به ویژه پس از طرح نقش زمان و مکان در اجتهاد و همچنین ضرورت توجه به فقه اجتماعی و سیاسی و لزوم گذر از فقه فردی، در راستای اثبات این مباحث به بررسی برخی کاستی‌ها در رساله‌های عملیه فقها پرداختند و خواستار توجه به این امر شدند.

این مسئله مهمی است که رساله‌های عملیه به صورت سنتی به زبان فقه فردی نوشته شده است و وظایف فرد مکلف را نسبت به اعمال فردی، نه چگونگی نقش آفرینی وی در عرصه سیاسی و اجتماعی مشخص می‌کند.

برخی کاستی‌های مطرح شده عبارتند از:

۱. تبیین نکردن مسائل حکومتی، نظامی و سیاسی - اجتماعی و مسائل

نوظهور؛

۲. اجمال در بسیاری از موضوعات مورد مبتلا، مانند مقدار دقیق کر، حدود

دقیق مسافت موجب قصر و افطار، حد کامل بلد کبیر، حد دقیق ترخص با توجه به شرایط روز و ...<sup>۴</sup>

۳. محصور کردن نظر به وظایف شخصی فرد، در حوزه وظایف عمومی و

دسته جمعی، مانند تعیین وظیفه فرد در موارد فقه در احکام حج همچنین وقوف در عرفات و مشعر و احکام روز عید قربان یا ضرورت‌های اجتماعی.<sup>۵</sup>

البته برخی دیگر از اندیشمندان، اشکالات دیگری را نیز در این خصوص

متذکر شده‌اند.

بر اساس تحولات عصر و به ویژه تغییر وضعیت سیاسی، احکام نیز امکان

تغییر دارند که این تغییرات به صورت عمده به تغییر موضوعات احکام مربوط

۴. اشرفی شاهرودی، همسویی فقه با تحولات و نیازهای جامعه، (مجموعه مقالات آثار کنگره

بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۵. همان، ص ۱۲۰.

می شود. عینیات سیاسی - اجتماعی و به وجود آمدن حکومت اسلامی، مهم ترین زمینه ای است که ممکن است تغییرات مهمی را در حوزه فهم موضوعات احکام سیاسی و سایر احکام به وجود آورد.

موضوعات فقهی ممکن است حداقل دو تحول اساسی را به خود ببیند که عبارتند از: تحول ماهیت موضوعات و تحول عملکردی.

#### ۱. تحول در ماهیت موضوعات

موضوعات مختلفی در حوزه های سیاسی - اجتماعی وجود دارد که با تغییر نوع حکومت متحول می شود؛ به ویژه اینکه بر اساس فقه سیاسی شیعه همه حکومت های گذشته پس از دوران حکومت علوی (ع) و حکومت کوتاه مدت امام حسن (ع) و جز موارد اندکی که مشروعیت ناقص یا مشروطی یافته اند، نامشروع بوده و تعامل فقه سیاسی با حکام و حکومت و همچنین تعامل مردم متدین با حکام، از اندیشه فقهی متأثر بوده است. این نگاه بنیادین با روی کار آمدن حکومت اسلامی پس از انقلاب اسلامی تغییر کرد و به تبع آن، موضوعات مهم فقهی نیز تغییر ماهیت داد.

از همکاری با حاکم تا حضور سیاسی - اجتماعی و تعاملات درونی و بین المللی دولت اسلامی، همه حکایت از این تغییرات دارد.

برخی از تحولات نیز با ملاحظه نکردن حکومت و قدرت در عرصه اجتماع پدید می آید. به عنوان مثال، بانکداری الکترونیک و نحوه معاملات در این نوع بانکداری یک پدیده اجتماعی نوین است و بدون نگاه به حکومت نیز قابل بررسی است. اما در حضور دولت اسلامی قراردادهای بانکی، عمل دولت و تعامل مردم و دولت اسلامی از نظر ماهیتی با گذشته متفاوت است. به همین دلیل نیز ماهیت احکام سیاسی متفاوت با احکام معمولی ملاحظه می شوند.

به طور مثال اگر گوش کردن به رادیو و تماشای تلویزیون در دوره طاغوت از سوی فقها حرام شده بود، موضوع آن با تغییر حکومت تغییر ماهوی کرده و به تبع آن، حکم نیز تغییر می کند.

همچنین اگر موسیقی و نواختن آن به ویژه با آلات مخصوص لهُو و لعب حرام قطعی بود اما نواختن موسیقی با همان آلات برای تشویق رزمندگان به جنگ یا ایجاد روحیات شجاعانه در مردم ممدوح شمرده می شود و از تحت موضوع حرمت خارج می گردد. از همین رو بود که حضرت امام خرید و فروش ابزار موسیقی را جایز و موضوع آن را تغییر یافته دانستند.<sup>۶</sup>

## ۲. تغییر نگاه به رابطه مردم و حکومت

یکی از ابعاد تحول فقه پس از جمهوری اسلامی، نگاه به رابطه مردم و حکومت است؛ به گونه ای که در گذشته، حکم ارتباط با حکومت و کار برای تقویت دولت، مذموم و حرام شمرده می شد، حال آنکه تغییر این حکم به حلیت و بلکه وجوب در دولت اسلامی به دلیل تغییر موضوع است؛ چرا که حکومت ظلم به دولت اسلامی تبدیل شده است. بنابراین، غیر از نگاه به اصل حکومت؛ نحوه ارتباط مردم و حکومت نیز مورد توجه قرار گرفت و با توجه به فضای جهانی و نام گذاری نظام جدید دینی به «جمهوری اسلامی» رابطه مردم و حکومت در کلام فقها به گونه جدیدی بحث می شود.

تلاش برخی فقیهان برای اثبات مردم سالاری دینی، نقش و جایگاه مردم در حکومت، لزوم عمل دولت بر اساس مصلحت عمومی و موارد متعدد دیگر، حاکی از جهت گیری جدید در فقه شیعه است. گرچه استنادات اصلی به نصوص دینی است اما اولاً از برخی نصوص که در گذشته استفاده نمی شد بهره برداری

۶. امام خمینی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۳.



می‌شود؛ ثانیاً طبق مقتضیات زمانی و مکانی از برخی نصوص فهم جدیدی صورت می‌گیرد؛ ثالثاً عرف و عادت موجود نیز در اصل نگاه به مسائل مورد توجه قرار می‌گیرد.

دسته‌ای از عوامل که موجب پدید آوردن فقه اجتماعی و نگاه جامعه‌ای به فقه شد به مبانی و پیش فهم‌های پدیدآورنده فقه مربوط است که خود را در دستگاه اجتهاد و شیوه استنباط احکام نشان می‌دهد.

براین اساس، تعریف فقه و نگاه به قلمرو آن در جامعه اثر بسزایی خواهد داشت. امام خمینی با این پیش فرض، در تعریف فقه می‌گوید:

فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.<sup>۷</sup>

بر پایه این تعریف، فقه وظیفه اداره جامعه انسانی را بر عهده دارد و قلمرو آن در محدوده نیازهای فردی و اجتماعی خواهد بود. برای اینکه فقه بتواند از نگاه فردی درآمد و جامعه را بر اساس این تعاریف اداره کند به ساز و کارهای درون اجتهاد نیاز داریم تا پاسخگویی این قلمرو گسترده باشد.

امام خمینی علاوه بر پرداختن به منابع استنباط که در گذشته مورد نظر بود، ساز و کارهای جدیدی نیز برای فهم فقه اجتماعی و سیاسی مطرح کرد. بدین منظور، برخی منابع مورد نظر در گذشته را تقویت کرده، ترجیح داده و یا منابع جدیدی را کشف کرد که از آن جمله می‌توان به عنصر «زمان»، «مکان» و «مصلحت» اشاره کرد.

اگر چه فقهای گذشته نیز به مصلحت در استنباط احکام شرع توجه داشتند اما در فقه فردی چندان مورد نیاز واقع نمی‌شد، ولی وقتی فقه با گرایش جامعه‌نگرانه مورد توجه قرار گیرد عنصر مصلحت جایگاه والایی می‌یابد و در رفع تناقض‌ها و حل گره‌ها مؤثر خواهد بود.

۷. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.

امام خمینی با تأکید بر ضرورت فقه اجتماعی و سیاسی و ضرورت حکومت اسلامی با طرح سؤال می گوید:

از غیبت صغری تاکنون، که بیش از هزار سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟ قوانینی که پیغمبر اسلام (ص) در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن بیست و سه سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و پس از غیبت صغری اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است... لازم نیست از حدود و ثغور و تمامیت ارضی وطن اسلام دفاع کنیم؟ یا امروز مالیات و جزیه و خراج و خمس و زکات نباید گرفته شود، قانون کیفری اسلام و دیات و قصاص باید تعطیل شود.<sup>۸</sup>

امام خمینی و تحول در فقه اجتماعی

حضرت امام (ره) در نگاه به فقه از حوزه فردی فراتر رفت و مسائل اجتماعی را به صورت جامعه نگرانه وارد حوزه فقاهت کرد و فرد و جامعه را در یک نگاه عمیق و ژرف مورد توجه قرار داد. *کتاب علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
 اتفاقات دوره زندگی حضرت امام و نگاه وی به تحولات عمیق ایران معاصر از دوران قاجاریه و مشروطه تا دوران اختناق رضا شاهی و سپس دوران پرفراز و نشیب پهلوی دوم نگرش متفاوتی به این فقیه سترگ داد. ایشان با توجه به این تحولات و از سوی دیگر با تکیه بر مبانی کلامی، فلسفی، فقهی و اصولی خود، اندیشه ولایت فقیه و حکومت اسلامی را مطرح کرد و آن را بر اساس فقه سیاسی شیعه ارائه داد.

۸. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۸.

ایشان با بهره گیری از توان و ظرفیت علمی و فقهی فراوان و تسلط به علوم اسلامی در حوزه های مختلف، نگاهی جامع به فقه داشت و آن را دارای نظامی هماهنگ و متناسب با نیازهای فرد و جامعه می دانست.

حضور فقه در عرصه اجتماعی و حل معضلات حکومتی و سیاسی و تصمیم گیری در موارد تعارض اهداف و منافع از مسائل اساسی در فقه سیاسی است که اگر قائل به نظام وار بودن فقه سیاسی باشیم و آن را موجود یک نظام اجتماعی بدانیم، نگاه به فقه نیز متفاوت می شود.

در مورد تحولاتی که در نظریه فقیهان در عرصه فقه سیاسی در حداقل پنجاه سال گذشته روی داده است می توان به این نکات اشاره کرد:

#### ۱. گذر از فقه فردی به فقه اجتماعی

ملاحظه امور اجتماعی و جامعه به عنوان یک واقعیت مهم در فقه سیاسی، امری مهم و اساسی است. مهم تر اینکه امکان ظهور و بروز این تحول فقهی داده شود و بزرگان حوزه بخشی از دغدغه های خود را در جهت حل مسائل نظام به کار برند.

نگاه به بعد اجتماعی فقه در کنار بعد فردی آن و نگاه نظام وار به آن، منجر به شکل گیری فهم جدیدی از فقه شد و در سایه آن، تحولات مهمی در حوزه استنباط نیز محقق گشت.

بر این اساس، اولاً مباحث مهم فقهی اعم از اموری که به صورت مستقیم به فقه سیاسی مربوط است تا مباحث مربوط به افراد در حوزه جامعه یا احکام معطوف به عمل فردی در جامعه، در فقه اجتماعی و سیاسی بحث می شود و تنها در قالب فقه فردی مورد توجه نیست، ثانیاً زوایای مهم زندگی افراد در جامعه که تاکنون مورد توجه فقه نبوده ضروری محسوب می شود.

امام خمینی (ره) به خوبی به مسئله اتفاقات و تحولات عصر نگاه کرده و بر اساس آن استدلال می‌کند که در صورت حضور و فعالیت روحانیت، درک نیاز اجتهادی چیست:

خلاصه کلام اینکه ما باید ... در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآئیم و الا مادامی که فقه در کتابها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد نمی‌تواند درک کند اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست ... چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند.<sup>۹</sup>

فقه نسبت به ورود فقیه در حوزه اجتماعی و چگونگی ایفای نقش او در روشن کردن وظایف اجتماعی در دوره جدید، بحث کرده و متوجه خطرات احتمالی این کار نیز بوده‌اند. لذا تأکید کرده‌اند که هنگامی دین می‌تواند وارد حوزه حکومت و دانش اجتماعی شود که روشمند و مبتنی بر علم و معرفت باشد. اگر دین بخواهد به صورت غیر روشمند و هدفمند، وارد دستگاه سیاست و مطالعات اجتماعی شود بی‌تردید با مشکل مواجه شده و اعتبار خود را از دست خواهد داد. امام خمینی معمار بزرگ انقلاب اسلامی متوجه اثرات سوء ورود غیر روشمند و هدفمند دین در مسایل اجتماعی بود و لذا دستگاه حوزه‌های دینی را به شدت متوجه این معنا می‌کرد که چگونه اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنند تا هم فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و هم معضلات پیچیده اداره جوامع امروزی توسط فقه و اجتهاد حل شود. ایشان در تذکر این امر حیاتی می‌فرماید:

ما محصور بودیم در یک کتابها و در یک عقاید خاصی، کتابها از حیث تعلیم

۹. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۹.

و تعلم غالباً از طهارت و تجارت و صلاة ... تجاوز نمی کرد. علوم قضایی و حدود و دیات و اینها از علوم غریبه بود. البته مشایخ نوشته اند، همه را مستقصی نوشته اند؛ لکن در حوزه ها از باب اینکه این امور خارج بود از حیظه عمل آنها، قضاوت دست آنها نبود، حدود و دیات و قصاص و اینها عملی نبود، از این جهت آنها مورد بحث واقعی نمی شد و ما محصور شده بودیم در کتاب ها ... . یک تبلیغات خاصی انجام گرفته بود در سالهای طولانی، که باید حوزه ها از امور اجتماعی و سیاسی به کلی مبرا باشد و اسم سیاست را نمی توانستیم در حوزه های علمیه ببریم و امور مسلمین و چیزهایی که مربوط به جامعه مسلمین است در حوزه بحثی از آن نبود.

بحمدالله امروز که ما از آن قید و بندها رهایی پیدا کرده ایم باید توجه به این معنا داشته باشیم که امروز حوزه ها، با دیروز حوزه ها فرق دارد. امروز حوزه ها برای دنیا، الآن دنیا یک تحولی پیدا کرده است کانه عائله واحده شده است ... . وضع این طور شد، دنیا کانه همه مجتمع شده است در یک محصوره کوچکی از حیث جهان. ما امروز نمی توانیم مثل سابق فکر کنیم. ما سابق تبلیغاتمان محصور به ایران بود ... امروز همه تبلیغات دنیا بر ضد اسلام است ...

بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود رها شد ... و این یک امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد. بنابراین ... از همه حوزه های علمیه در هر جا که هست این تقاضا را دارم که دامن به کمر بزنند و نقیصه های سابق را که عقب افتادگی های سابق را جبران کنند.<sup>۱۰</sup>

کشمکشی که اندیشه های امام بر نقش نظری و عملی فقه در حل معضلات دنیای کنونی مطرح می کند، نشانه تغییر جهتی بسیار بزرگ در مطالعات فرهنگی و

فرهنگ سیاسی و اجتماعی دوران معاصر است. بی تردید بخش هایی از فقه که با حوزه دولت و اجتماع پیوند پیدا می کند باید از استعداد و دامنه داری فقه و اجتهاد در اندیشه های امام، نیرویی رهایی بخش به دست آورد و اندیشه های سیاسی، مطالعات فرهنگی و تحولات اجتماعی را از سیطره گفتمان های رسمی غرب که چون زنجیر بر پای معرفت و دانش بومی بسته شده است، رها سازد. بازتولید علم در ایران در پرتو دانش بومی (ایرانی - اسلامی) فقط از این طریق امکان پذیر است.

تبلور فقه اجتماعی و برآمدن حکومت به معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم (ص) واگذار شده و خود اهم احکام الهی بوده است و بر جمیع احکام شرعی الهی تقدم دارد و همچنین تبدیل شدن حکومت به فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت و طلوع حکومت در سپهر جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی و از همه اساسی تر، قرار گرفتن فقه در مقام تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تاگور بی تردید از خاستگاه چنین نگاه ساختار شکنی بود که امام به مبانی انسان شناختی اسلام در پرتو فقه شیعه داشتند. چنین نظامی برای فقه شیعه بایسته هایی دارد که اگر به آنها در بستر دولت اسلامی توجه نکنیم، فقه شیعه اعتبار خود را از دست خواهد داد.

فقه، دیگر به تنهایی ناظر به تکالیف فرد در مقابل افراد جامعه نیست، بلکه در کنار این تکالیف، حقوقی وجود دارد که فرد در ساختار متمرکز یک نظام سیاسی و بایسته های این نظام با آن درگیر می شود و نیازمند آشنایی با حقوق و تکالیف دینی خود است. این مسئله وقتی به نظام جمهوری اسلامی که یک نظام برخاسته از قوانین شریعت است رسید به مراتب پیچیده تر شد؛ زیرا فرد مسلمان اکنون دیگر با حکومت غاصبی روبه رو نیست تا فقیه تکلیف او را با چند فتوای موضوعی و موضعی روشن کند. به تعبیر حضرت امام: «فقیه و فقه اکنون با حکومتی که به

معنای ولایت مطلقه ای که از جانب خدا به نبی اکرم (ص) واگذار شده و اهم از احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعیه الهیه تقدم دارد روبه رو است.<sup>۱۱</sup> برخی با بررسی تحول در اجتهاد پس از تأسیس جمهوری اسلامی پرداخته و ماهیت آن را متفاوت از اجتهاد در مسائل فردی و عبادی می دانند. به نظر ایشان، حتی مجتهدی که فقه حکومتی را نمی داند و در آن حوزه استنباط نمی کند در شرایط حکومت اسلامی، مجتهد نیست. وی تأکید می کند:

در حکومت اسلامی کسی که فقه حکومتی را نمی داند، مسائل حکومتی و نیاز را درک نمی کند و نمی تواند اجتهاد را با موازین و شیوه نوین آن در عناصر اصلی استنباط برای پاسخگویی در برابر آنها به کارگیرد، مجتهد نخواهد بود، اگر چه در غیر حکومت اسلامی نسبت به مسائل فردی و عبادی که برای مردم عوام تنظیم می شود، مجتهد باشد.<sup>۱۲</sup> ایشان سه شرط را به منظور اجتهاد در عصر حکومت اسلامی برای فقه جهان شمول در نظر می گیرد که عبارتند از:

۱. باید بر اساس نیازهای حکومت اسلامی و مسائل مورد نیاز کنونی جامعه و جوامع متمدن، اجتهاد به گونه ای دقیق مورد ملاحظه قرار گیرد؛
  ۲. باید بینش جهانی و واقعیت های زمان با ویژگی هایشان در منابع معتبر و اصیل شریعت به کار گرفته شوند؛
  ۳. احکام موضوعاتی که مربوط به مسائل حکومتی است به گونه نظام وار و سیستماتیک بیان شود.
- آیت الله جناتی معتقد است: عقب ماندن و همگام نبودن فقه با رویدادها،

۱۱. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

۱۲. جناتی، نقش حکومت اسلامی در شکوفایی و گسترش فقاقت، (مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی)، ج ۸، ص ۸۹.

ویژگی جوهره فقه نیست بلکه بر اثر عوامل دیگری بوده است.<sup>۱۳</sup> لذا فقه ظرفیت پرداختن به همه مسائل مورد نظر دنیای جدید را دارد و مجتهدان بر اثر ضرورت زمان و با شناخت عمیق از مسائل پیرامون خود باید به بررسی و ارائه راه حل در همه موضوعات اقدام کنند.

#### موانع تحول در فقه

فقه سیاسی و حتی فقه عمومی ما به اندازه تحولات موجود متحول نشده است. از همین روست که فقها در دوره جدید به دنبال تبعات زیاد در حوزه های مختلف حکومتی و غیر حکومتی، همچون نظام سازی فقه، فقه رسانه ها، فقه هنر و موارد دیگر برآمده اند.

به طور خلاصه می توان گفت چند عامل اساسی در به وجود آمدن این شرایط تأثیر داشته است:

۱. گسترش فقه از زمان ائمه (ع) تا رشد مدرنیته، در جهان اسلام و به ویژه تشیع بیش از هزار سال طول کشیده است و در این مدت تحول موضوعی و وقایعی شگرف رخ نداده است و عمدتاً فقها در پی جوابگویی به سؤالات گذشته و کمتر متحول شده بودند. در هر دوره ای واقعه خاصی شبیه به گذشته پیش می آمد و از میان نصوص و یا از طریق منابع استنباطی جواب آن داده می شد که این روند پس از رشد مدرنیته و به ویژه دوران انقلاب مشروطه در ایران وارد مرحله جدیدی شد ولی به دلیل ادامه نیافتن مشروطه و برگشت به حالت قبل از آن و سردی روابط فقها با حکومت، رشد فقه سیاسی متوقف گردید.

۲. وجود دوره طولانی حضور اخبارگرایان، تصلب بر متن خبر را بیشتر و زمینه های نگرش تحول طلبانه را کمتر کرده بود.

۱۳. همان، ص ۹۶.



۳. نبود نیازهای حکومتی و اجتماعی و فراوانی سؤالات فردی و مراجعات مؤمنان برای جواب به سؤالات فردی، تتبعات فقهی را به سمت فردگرا بودن سوق داد.

آیت الله محمد مؤمن در جواب سؤالی در خصوص تزامم کارهای حکومت اسلامی و حقوق اشخاص و علت ذکر نشدن بسیاری موارد در کتب علمای شیعه می گوید:

تشکیل دولت و سر و سامان دادن به امور امت اسلامی، مورد ابتلای عالمان پاك سیرت ما نبوده است و سبب آن هم این است که ستمکاران تنگ نظر از همان صدر اسلام، حق امامان معصوم (ع) را غصب کردند و حکومت و اداره امور امت را از مجرای اصلی آن خارج ساختند.<sup>۱۴</sup>

تحول نگاه از فقه فردی به فقه اجتماعی و نظام سیاسی و تعامل فرد و جامعه، منظر جدیدی از فقه بود که حضرت امام آن را به صورت مبسوط مطرح و عملیاتی کرد.

در فقه اجتماعی و نگاه سیستمی به فقه برای ساخت جامعه، حتی احکام فردی هم متفاوت خواهد بود و آثار و زوایای اجتماعی حکم فردی نیز در نظر گرفته می شود؛ به طور مثال جهات اجتماعی و سیاسی نماز و حج در پیوند با مسائل دنیا مورد توجه قرار می گیرد. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

برخی تلاش کرده اند ناهمسازی های برخی از احکام فقهی و زندگی اجتماعی را به فقه نسبت داده و از اصل شریعت نفی کنند. این دسته معتقدند: اندیشه فقهی سه رکن دارد که عبارتند از: احکام، موضوعات و روش استنباط.

احکام، محصول نهایی اندیشه فقهی است؛ موضوعات، سازنده احکام

۱۴. مؤمن، تزامم کارهای حکومت اسلامی و حقوق اشخاص، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، شماره ۵ و ۶، ص ۷۷.

هستند و وجود آنها شرط لازم برای فعلیت یافتن احکام است؛ روش استنباط نیز ابزار ذهنی است که فقیه حکم شرعی را به کمک آن کشف و یا استنباط می کند. آنچه در ساختمان اندیشه فقهی نسبت به رویدادهای زندگی جهت گیری دارد و می تواند هماهنگ یا ناهماهنگ باشد همین محصول نهایی، یعنی «حکم» است. ولی در این جهت گیری، هم ماهیت خود حکم دخیل است و هم موضوع آن و هم روشی که برای استنباط آن به کار گرفته شده است؛ یعنی هر سه رکن اندیشه در ناسازگاری فقه و زندگی اجتماعی مؤثر است. برای سازگار کردن احکام فقهی و واقعیت های اجتماعی و سیاسی سه راه وجود دارد:

#### ۱. تشخیص احکام ثابت از احکام دگرگونی پذیر (متغیر)

گاهی لازم است برای رفع تعارض میان یک حکم شرعی با یکی از شرایط زندگی در آن حکم دخل و تصرف کنیم، یا حکمی را جایگزین حکمی دیگر کنیم. با دقت در احکام در می یابیم که خود شریعت، پاره ای از احکام را از آغاز به گونه ای انعطاف پذیر وضع کرده است. یعنی شریعت، در کنار احکام ثابت و ابدی خود، یک دسته احکام انعطاف پذیری را نیز گنجانده است، تا امکان استمرار شریعت در زمان های مختلف و شرایط جداگانه وجود داشته باشد. اگر می بایست نظام زندگی فردی و جمعی بشر در همه دوران ها با معیارهای ثابت شریعت منطبق باشد، شریعت نیز باید در مواردی قابلیت انعطاف لازم را داشته باشد، تا امکان چنان انطباقی فراهم آید.

مسئله شریعت خاتم به اقتضای جاودانگی اش انعطاف هایی در ذات خود دارد که بایستی فقیه به دور از سخت گیری و با توجه به ذوق شریعت، آنها را دریابد و در موارد لازم به کار گیرد.

## ۲. تجدید نظر در روش استنباط

گاهی ناسازگاری یک حکم با شرایط زندگی مردم، در نتیجه نارسایی روش استنباط است و ربطی به ماهیت حکم ندارد. در این صورت، با ایجاد اصلاحات و تغییراتی در دستگاه استنباطی موجود (علم اصول) می توان احکام شریعت را به گونه ای استنباط کرد که با شرایط زندگی سازگار باشد. بنابراین، تجدید نظر در روش استنباط می تواند سبب دگرگونی پاره ای از احکام شود. چنان که شیخ انصاری با نظریه خود مبنی بر باطل دانستن ظن مطلق و اعتبار بخشیدن به ظن خاص، گامی اساسی در تکمیل روش استنباط برداشت و در شیوه استنتاج احکام شریعت تحولی ایجاد کرد.

## ۳. در نظر گرفتن تحول موضوعات

در مواردی هم ناسازگاری میان احکام فقهی و شرایط زندگی، نه به ماهیت حکم ربط دارد و نه به روش استنباط، بلکه ناشی از متحول شدن و تغییر شکل دادن موضوعی است که حکم در باره آن صادر شده است. علاج این گونه ناسازگاری این است که فقیه در مقام استنباط حکم، امکان تغییر و تحول موضوعات را هم در نظر داشته باشد. شهید مطهری معتقد است سازگار شدن فقه با نیازهای واقعی زمان، دو میدان عمل دارد<sup>۱۵</sup>:  
پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
نخست: شناخت انعطاف هایی که در بطن شریعت وجود دارد؛ مثلاً اینکه پاره ای از احکام شریعت، به تعبیر ایشان برای کنترل احکام دیگر شریعت وضع شده اند؛ یا اینکه اختیارات گسترده ای که اسلام به حاکم دینی داده است: «راهی است که اسلام در بطن خودش قرار داده است برای آسان بودن انطباق با نیازهای واقعی زمان ...»

۱۵. تقوی، «تحول موضوعات در فقه»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، شماره ۳، ص ۲۱۱.

دوم: بهره‌گیری بیشتر از روش استنباط یا اصلاح و تکمیل آن. ایشان در این زمینه بر تقویت عقل در مقام استنباط تأکید کرده و معتقد است بسیاری از مصالح و مفاسدی که ملاک احکام شریعت هستند مصلحت‌ها و مفسده‌های زمینی هستند که عقل انسان قادر به درک و تشخیص آنهاست، همچنین بر امکان استفاده از باب «تزامم» برای حل بسیاری از مشکلات فقهی جوامع امروزی تأکید می‌کند.<sup>۱۶</sup>

گشوده شدن افقهای جدید برای فقها

پس از انقلاب اسلامی و افزایش نیاز به مباحث فقهی برای پاسخگویی به بسیاری از سوالات و فراهم شدن زمینه‌های تتبع فقهی، افقهای جدیدی فرا روی فقها در نوع نگاه به مسائل فقه سیاسی پدید آمد که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

#### ۱. نظام وار شدن ولایت فقیه

بحث ولایت فقیه از مباحث کهن در فقه سیاسی شیعه است که در کتب و آثار بزرگانی مثل شیخ مفید و شیخ طوسی نیز دیده می‌شود. در ادوار بعد نیز این بحث وجود داشته است که امام خمینی قرائت جدید و نظامندی از آن را ارائه کرد. این نگاه به عنوان مبانی فکری انقلاب اسلامی، زمینه تشکیل جمهوری اسلامی را فراهم کرد. وجود نظام سیاسی پس از جمهوری اسلامی موجب شد تا نگاه فقها به این بحث فقهی متفاوت‌تر شود. اگر ولایت فقیه در ادوار گذشته در محدوده خاصی مطرح می‌شد، پس از جمهوری اسلامی، این ولایت به صورت عام و گسترده و نظام‌مند مطرح می‌شود.

#### ۲. تحول در نگاه به امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در کتب فقهی به عنوان یکی از فروع دین و یکی

۱۶. همان، ص ۲۱۲.

از مباحث مهم مطرح بوده است، اما برداشت عمده از آن توجه به وظایف فردی و اصلاح افراد در جامعه است؛ گرچه ویژگی ذاتی این واجب الهی از ارتباط افراد با یکدیگر به وجود می آید ولی نوع مثال های فقهی و سؤالات و فروع آن در محدوده اقدام فردی است و جایگاه جامعه، اجتماع و نظام سیاسی در آن به خوبی ترسیم نشده است.

با تأسیس جمهوری اسلامی ایران، این واجب الهی و بحث مهم فقهی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و در قانون اساسی نیز وارد<sup>۱۷</sup> و دولت اسلامی موظف به اجرایی کردن آن شد.

این بحث در بیان فقها و مباحث فقهی نیز مورد توجه قرار گرفت و گستره بیشتری یافت، به گونه ای که برخی از فقها خواستار تشکیل وزارت خانه ای برای اجرایی کردن این مسئله مهم فقه سیاسی شدند. گرچه برای مقوله امر به معروف و نهی از منکر ستاد کشوری با شعبه های مختلف در همه استان ها و شهرستان ها تشکیل شده و به اجرای این امر می پردازد ولی تقسیمات لازم و جانمایی این واجب الهی در نظام سازی و حکومت به خوبی ترسیم نشده است.

۳. برداشت های مردم گرایانه از فقه سیاسی

پس از پیروی انقلاب اسلامی در ایران، نوع نگاه علما نسبت به جایگاه مردم در تحولات سیاسی و نقش آفرینی آنان در عرصه اجتماعی تغییر کرد و از نخبه گرایی به مردم گرایی تبدیل شد. در دیدگاه های حضرت امام توجه اساسی به مردم مستضعف و عادی بود و به تعبیر ایشان حاکمان اسلامی خدمتگزاران مردم هستند.

ما همان مطالبی را تعقیب می کنیم که در نهاد و آرزوی دیرینه آنهاست و ما را

۱۷. قانون اساسی، اصل ۸.

خدمتگزار خود می دانند. از این جهت به ما علاقه دارند کما اینکه من به آنان

علاقه دارم. ۱۸

۴. توجه به مسئله جمهوری در فقه سیاسی

از جمله واژه‌هایی که وارد ادبیات فقه سیاسی شده، واژه جمهوری است. گرچه قدمت این واژه زیاد است و به عصر یونان باستان بر می‌گردد و افلاطون نیز کتابی با نام جمهوریت دارد، اما امروزه جمهوری معنای کامل‌تر و به تعبیری متفاوت از گذشته دارد. واژه جمهوری از لغت «Republic» به معنای «همگان» گرفته شده است. جمهور و الجمهوریه در عربی نیز به مردم کثیر، جمعی از قوم و مردم گفته می‌شود. ۱۹ در فارسی نیز به معنای حکومتی است که زمام آن به دست نمایندگان ملت است و رئیس آن رئیس جمهور خوانده می‌شود. ۲۰

جمهوریت، بیانگر حضور عمومی و همگانی در صحنه و متضمن سازمانی به منظور تشکیل و اداره آن است. در اسلام نیز جامعه، جمعیت و امت مورد توجه است و سازمان‌هایی از قبیل جمع آوری زکات و خمس، رسیدگی به امور مسلمین و مشارکت در ساخت دولت و اداره کشور برای پیوند و حفظ تشکیلات آنها در متون اسلامی و تاریخ اسلام و همچنین در قالب مفاهیمی در فقه اسلامی اشاره شده است.

نظام جمهوری که بیانگر نظام حکومتی با حضور مردم و قبول آن است در مبانی نظری حکومت اسلامی در قالب مفاهیمی چون بیعت و شورا<sup>۲۱</sup> و تعاون بیان

۱۸. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۱۵.

۱۹. المنجد، ذیل واژه جمهور.

۲۰. دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۹۰۱.

۲۱. شورا: ۳۶.

شده است. ضرورت مشورت حاکم اسلامی با مردم به حکومت اسلامی ویژگی مردم گرایی می دهد و زمینه اجرایی شدن آن را محقق می سازد.

امام خمینی (ره) در آستانه انقلاب اسلامی و پس از آن به نوع حکومت جمهوری تاکید داشته و می فرمودند:

ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است با اتکا به آراء عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلامی می باشد.<sup>۲۲</sup>

ایشان به محتوای دینی جمهوری اسلامی در ایران اشاره کرده و می گوید:

حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آراء عمومی ملت می باشد و نیز شکل حکومت با مراجعه به آراء ملت تعیین خواهد گردید.<sup>۲۳</sup>

امام در پاسخ به پرسشی در خصوص رژیم آینده مورد نظر و جانشین رژیم شاه، «جمهوری اسلامی» را الگوی نظام سیاسی آینده معرفی و تاکید می کند:

جمهوری به همان معنا که در همه جا جمهوری است، جمهوری اسلامی جمهوری است مثل سایر جمهوری ها.<sup>۲۴</sup>

بنابراین، به همان اندازه که ایشان مخالف سلطنت بودند و آن را نامشروع می دانستند، جمهوری را قبول و مشروع می دانند. امام (ره) منتخبان مردم را دارای حق اداره جامعه دانسته و حق تعیین سرنوشت به دست مردم را گزینه صحیح ارزیابی می کردند.

بنابراین، پذیرش جمهوریت به عنوان شکل حکومت اسلامی مورد توجه قرار

۲۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۵.

۲۳. همان، ص ۲۷.

۲۴. همان، ج ۲، ص ۳۵۱.

گرفت؛ گرچه برخی این نوع بحث در فقه سیاسی را صحیح نمی‌دانند و حتی کلمه ولایت مطلقه را نیز در قالب چنین طرحی می‌دانند.

### جمهوری در نظام اسلامی

نظام اسلامی تأکیدی بر جمهوری بودن نوع حکومت ندارد، بلکه قالب حکومت بر اساس اقتضائات زمانی صورت می‌گیرد؛ زیرا اسلام، محتوای حکومت را که مبتنی بر آموزه‌های دینی است مورد توجه قرار داده است.

قرآن کریم حکومت‌های استبدادی را نفی کرده و حکومت را به خداوند نسبت می‌دهد،<sup>۲۵</sup> اما قالب خاصی برای حکومت ذکر نکرده است. البته مراجعه به آراء عمومی و استفاده از نظر و مشورت دیگران در نصوص دینی تحسین شده است و این خود می‌تواند مبانی جمهوریت را نشان دهد یا اینکه حداقل عدم تضاد را اثبات کند.

نظام جمهوری در بحث حاضر به عنوان یک قالب دیده شده است، نه به عنوان جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی؛ لذا باید بررسی کرد که آیا جمهوریت به عنوان یک قالب حکومتی و نظام سیاسی می‌تواند اصالت داشته باشد یا اینکه تنها شکلی است و حکومت اسلامی می‌تواند با حفظ حضور مردم در عرصه زندگی سیاسی-اجتماعی و مشارکت سیاسی مردم، در قالب دیگری نیز محقق گردد.

بی‌شک با تحلیلی که رهبران انقلاب و به ویژه حضرت امام راحل انجام داده‌اند جمهوریت اصالت ندارد و فقط قالبی است که محتوای اسلامی به آن روح می‌دهد؛ اما به عنوان یکی از بهترین قالب‌ها در عصر کنونی مورد توجه است و چون مردم نیز آن را پذیرفته و حکومت اسلامی را در قالب آن قبول کرده و به آن

۲۵. انعام: ۵۷؛ یوسف: ۴۰؛ نساء، ۶۰.



رأی داده اند اصالت می یابد. بنابراین، جمهوری مستلزم نوعی دموکراسی می شود و مردم حق دارند آن را انتخاب کنند و سرنوشت خودشان را به دست گیرند.<sup>۲۶</sup>

قانون اساسی کشور بر اساس حق حاکمیت مردم استوار است و جمهوریت در این قانون و میثاق عمومی به عنوان یک پایه حکومت انتخاب شده است و به همین دلیل رعایت آن نیز الزام آور می شود.

برخی از فقهای گذشته نیز مبنای انتخابات در اندیشه اسلامی را بیعت می دانند و تجلی بیعت را در عصر کنونی در انتخابات ارزیابی می کنند. میرزای نائینی بیعت را موجب انعقاد حکومت می داند و معتقد است:

گرچه در هنگام بیعت این شرط در جای خود محکم است که باید حاکم عدم تخطی از کتاب و سنت و سیره مقدسه نبوت داشته باشد.<sup>۲۷</sup>

لذا اصل جمهوریت بر پایه انتخاب صورت می گیرد و بر این اساس، یک امر مورد توافق مسلمین می شود، اما اینکه آیا ضرورتاً راه و مدل مورد نظر اسلام باید همین باشد مورد قبول نیست.

اصل جمهوریت که در قانون اساسی بیان شده است و به عنوان پایه نظام محسوب می شود علاوه بر تأیید نخبگان و خبرگان، تأیید و رأی اکثریت قاطع مردم ایران را دارد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جمهوری با پسوند اسلامی در قالب، با دیگر جمهوری ها تفاوتی ندارد، بلکه محتوای اسلامی را پیش می برد. امام خمینی (ره) بر همین اساس فرموده اند:

اما جمهوری به همان معنایی است که همه جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلامی می باشد ... .

۲۶. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۶۳.

۲۷. نائینی، تنبیه الامة و تنزیه الملة، ص ۴۵.

اینها بر اسلام متکی است لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم،

همان جمهوری است که همه جا هست. ۲۸

در عین حال، امام خمینی (ره) ماهیت اسلامی حکومت را مورد توجه قرار داد

و محتوا را دینی و برگرفته از حکومت نبوی (ص) و علوی (ع) می دانست:

حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم (ص) و امام

علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آراء عمومی ملت می باشد و نیز

شکل حکومت با مراجعه به آراء ملت تعیین خواهد گردید. ۲۹

برخی نیز به منظور جمع بین مشروعیت و مقبولیت در جمهوری اسلامی، تلاش

کرده اند پس از بررسی مبانی مشروعیتی حضور مردم در عرصه های سیاسی و اثبات

نقش مردم در حکومت و از سوی دیگر پذیرش اکثریت، رأی به جمهوریت و اسلامیت

را دال بر تلفیق مشروعیت و مقبولیت در قالب جمهوری اسلامی بیان کنند. ۳۰

از آنجا که جمهوری به عنوان یک مدل حکومتی در گذشته مورد نقد شدید

علما قرار داشته است، در عصر جدید در تحولی اساسی با نگاه مثبت به این

موضوع نگاه شد و مورد تأیید علمای دینی و مراجع معظم وقت قرار گرفت. در

ادامه به صورت کوتاه به بحث «جمهوری» در سه بخش گذشته، آستانه انقلاب و

پس از انقلاب اسلامی می پردازیم:

#### ۱. جمهوری در گذشته

لفظ و معنای جمهوری در ایران از زمان فتحعلی شاه و از طریق انگلیسی ها و

در تقابل با فرانسویان مطرح شد. افرادی نیز چون ملکم خان که فراموش خانه را

۲۸. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۴۵.

۲۹. همان، ص ۳۷.

۳۰. ندری ایبانه، مبانی نظری جمهوریت از دیدگاه عقلی و معارف اسلامی، ص ۶۴۹.

تأسیس کردند و متهم به جمهوری خواهی بودند از کشور تبعید شدند.<sup>۳۱</sup> پس از آن، نهضت جنگل در اواخر دوره قاجاریه به رهبری میرزا کوچک خان در گیلان اعلام جمهوری کرد و این اندیشه در برخی مناطق دیگر نظیر تبریز نیز مورد توجه قرار گرفت، اما این اقدامات نافرجام بود. رضاخان نیز پیش از به دست گرفتن قدرت به عنوان پادشاه، جمهوری را مطرح کرد و مورد مخالفت قرار گرفت. از مهم ترین مخالفان رضاخان، مرحوم آیت الله مدرس بود. علما در این دوره جمهوریت را با بی دینی مساوی می دانستند و به طور جدی مخالف آن بودند.<sup>۳۲</sup>

در دوره پهلوی اول و دوم، اندیشه خواست «جمهوری» از سوی برخی از نیروها و فعالان سیاسی از جمله حزب توده دنبال شد اما به دلیل جو اختناق و دیکتاتوری پهلوی به صورت رسمی و علنی بیان نشد.

امام خمینی و شاگردان ایشان نیز در دهه ۴۰ و تا نیمه دهه ۵۰ پیش از آنکه قالب جمهوری را برای حکومت بیان کنند سعی می کردند از محتوای حکومت و ضرورت دینی بودن آن سخن بگویند.

## ۲. جمهوری در آستانه انقلاب

از سال ۱۳۵۶ «جمهوری» به عنوان نظام آینده ایران از سوی انقلابیان مطرح شد. فارغ از اینکه چه کسی اولین بار این لفظ را به کار برد و آن را پیشنهاد داد باید متذکر شویم این لفظ و قالب برای حکومت اسلامی در ایران مورد رد و نقد مجتهدان و فقها و رهبری انقلاب قرار نگرفت و حتی حضرت امام در فرانسه به جمهوری اشاره کرده و نظام مورد نظر خودشان را اینگونه مطرح کردند: «ماهیت جمهوری اسلامی ایران که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است با اتکا

۳۱. زرگری نژاد، رسائل مشروطیت، ص ۶۳۴.

۳۲. حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۳.

به آرای عمومی ملت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد». ۳۳  
 علمای حوزه علمیه با به کاربردن این لفظ، آن را پذیرفتند و در مقابل آن موضع  
 نگرفتند؛ در حالی که در دوره قبل در این خصوص حساسیت هایی وجود داشت.

### ۳. جمهوری پس از پیروزی انقلاب

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۵۷، سخن از  
 ماهیت و شکل حکومت مطرح گردید و پیشنهادهای مختلفی داده شد و نهایتاً لفظ  
 «جمهوری اسلامی» مورد توجه قرار گرفت.

«جمهوری اسلامی» مورد حمایت امام خمینی (ره) قرار گرفت و حتی ایشان  
 این لفظ را به کار برده و در تبیین آن، مباحثی را در مناسبت های مختلف ارائه  
 کردند. ایشان تأکید کردند:

آنکه ملت ما می خواهد جمهوری اسلامی است نه جمهوری فقط،  
 نه جمهوری دمکراتیک، نه جمهوری دمکراتیک اسلامی، جمهوری  
 اسلامی. ۳۴

امام خمینی از جمهوری اسلامی دفاع کرده و حتی جمهوریت را هم مورد  
 توجه قرار داده است و لذا حکومت اسلامی را در قالب جمهوری مطرح می کند؛  
 به طوری که در آستانه رفراندوم جمهوری اسلامی، از ۹ اسفند ۵۷ تا ۱۲ فروردین  
 ۵۸ بیش از بیست مورد بر جمهوری اسلامی تأکید کردند.

دیگر مراجع عظام تقلید وقت نیز مانند حضرات آیات عظام گلپایگانی،  
 شریعتمداری و خوئی نیز از جمهوری اسلامی حمایت کردند.

مردم سالاری دینی نیز یکی از اصطلاحات برداشت شده از جمهوری اسلامی

۳۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۳۵.

۳۴. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۷۶.

بود که در دهه های بعد مورد توجه قرار گرفت و در لسان رهبری ایران و فقهای دینی استعمال شد.

مطرح شدن فقه سیاسی به مثابه یک رشته علمی

اگر چه فقه سیاسی تا قبل از انقلاب اسلامی در کتب فقهی بحث می شد اما پس از تأسیس جمهوری اسلامی و در پرتو حکومت دینی، وارد کتب درسی دانشگاه ها شد؛ به گونه ای که در مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی یک درس سه واحدی با همین نام گنجانده شد و در مقطع کارشناسی علوم سیاسی نیز دروس مرتبط با فقه سیاسی قرار داده شد.

علاوه بر اینکه فقه سیاسی در پژوهشگاه ها و مراکز تحقیقاتی نیز مورد توجه قرار گرفت و امروزه کتب فراوانی در حوزه های مختلف فقه سیاسی نوشته شده است.

فقه سیاسی در حوزه های علمیه گستره بیشتری یافت و امروزه به عنوان یک رشته تخصصی مورد مطالعه طلاب قرار می گیرد.

به همین لحاظ می توان گفت فقه سیاسی از لایه لای کتب فقها در ادوار گذشته جمع آوری شده و با تبویب جدید و گستره بیشتر مورد بهره برداری قرار می گیرد.

این امر باعث شده است که فقه سیاسی از حاشیه به متن وارد شود و به جای بحث فرعی در کنار برخی مسائل، به مباحث اصلی در کلام فقها تبدیل شود.

قضا، حدود، نماز جمعه، قصاص، دیات، ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر و معاملات از جمله مباحث حکومتی و فقه سیاسی است که پس از انقلاب اسلامی در حوزه های علمیه رواج یافته و بسیاری از فقها دروس خود را در همین مباحث حکومتی متمرکز کرده اند.

روشن شدن زوایای مغفول فقه سیاسی

یکی از آثار مهم تحول در حوزه های فقه سیاسی و گسترده شدن پژوهش در این زمینه این است که برخی زوایای مورد غفلت واقع شده فقه سیاسی روشن گردید و چگونگی حکومت دینی، مقدار و گستره حاکمیت، توجه به آرای عمومی، مسئله وطن و منافع ملی و رابطه آن با منافع اسلامی و روابط با دول اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و مسائل و موارد مختلف دیگر مورد توجه فقه سیاسی قرار گرفت. برخی از این موضوعات به صورت خاص به عنوان کتاب منتشر شده است. به عنوان نمونه، آیت الله عباسعلی عمید زنجانی دوره فقه سیاسی را در بیش از ده جلد ارائه کرده و برای هر کدام از مسائل مذکور یک جلد خاص نگاشته است. ۳۵.

#### فقه کلان در مقابل فقه خرد

در دوره حکومت اسلامی، ضرورت ها اقتضا می کند که علاوه بر منافع و مسائل افراد، مسائل حکومت اسلامی و جامعه مسلمین مورد توجه قرار گیرد. گاهی دیده می شود که بر اساس نگاه خردنگرانه به فقه به مسائل جواب داده می شود و این امر گرچه با برخی اخبار و نصوص هماهنگ است و یا اینکه قواعد فقهی نیز آن را تأیید می کند و یا از طریق اصول عملیه اثبات می شود اما با مسائل کلان حکومت و جامعه اسلامی در تضاد است. بنابراین، اگر این گونه مسائل از منظر فقه کلان مورد توجه قرار گیرد نتیجه استنباط متفاوت خواهد بود.

امام خمینی (ره) در جواب نامه آقای قدیری فرمودند:

بنابر نوشته جنابعالی زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که

ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است راهی

۳۵. عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲.

نیست و «رهان» در «سَبَقُ» و «رِمایه» مختص است به تیر و کمان و اسب دوانی و امثال آن، که در جنگهای سابق به کار گرفته می شده است و امروز هم تنها در همان موارد است.

«انفال» که بر شیعیان «تحلیل» شده است، امروز هم شیعیان می توانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای کذایی جنگلها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است نابود کنند و جان میلیونها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد.

منازل و مساجدی که در خیابان کشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن و بالجمله آن گونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند.<sup>۳۶</sup>

بنابراین، می توان گفت یکی از تأثیرات حکومت اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران گشوده شدن افق های جدیدی برای فقها در نگاه به فقه کلان شده است. فقه کلان کارکردهای متفاوت و مؤثری از تنظیم مسائل بازار تا مسائل کلان بانک ها و روابط دولت و مردم تا روابط خارجی را شامل می شود و بسیاری از گره ها را می گشاید. در این صورت به احکام حکومتی نیز کمتر مراجعه می شود و بر طبق قواعد و ادله اولیه در فقه به نتایج متفاوت و مثمرتری می رسد.

فقه تولید گر

فقه سیاسی تا پیش از تحولات انقلابی در ایران، بیشتر در عرصه ساخت نظام، پیشنهاد و تعریف مبانی و ارائه نظر، منفعَل بود. گرچه فقیهی چون امام (ره) بر پایه

۳۶. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۱.

فقه سیاسی نظریه پیش رو و تحرك بخش ولایت فقیه را ارائه کرده و تحول عمیقی در بین جامعه و انقلابیون به راه انداخت اما بیشتر فقه سؤال محور بوده و در صورتی که سؤالی شود در پی جواب به آن خواهد بود.

اما پس از تأسیس جمهوری اسلامی ایران، فقه در جریان پیوند با واقعیات بیرونی و نیاز شتابان جامعه و ضرورت ارائه راهکار در حوزه های مختلف به سمت تولیدگری حرکت می کند. این اقدام همان ترسیمی است که حضرت امام از فقیه آگاه به زمان و مکان می کند و نبض تفکر و آینده جامعه را در دست چنین فقیهی توصیف کرده و معتقد است چنین فقیهی همیشه چند قدم جلوتر از حوادث سیاسی و اجتماعی، دارای عکس العمل مناسب است.<sup>۳۷</sup>

بر اساس این دیدگاه که فقه به سمت تولیدگری حرکت کرده است امید نظام سازی از فقه در حوزه های مختلف بر می آید و در این شرایط است که فقه طراحی می کند، برنامه ریزی می نماید و برای اجرا ارائه می دهد تا حکومت اسلامی مجری این تئوری پرداز باشد.

برخی از فقهای کنونی نقش حکومت اسلامی در شکوفایی و گسترش فقاقت را مورد پژوهش قرار داده و تأکید کرده اند که با روی کار آمدن حکومت اسلامی، موانع گسترش فقه اجتهادی برداشته شده و فقاقت به شکوفایی می رسد.

ایشان نیاز این شکوفایی و لازمه آن را در شرایط مجتهد و راهبر مباحث فقهی دانسته و معتقدند چنین شرایطی مورد نظر است:

۱. ادراك جهانی بودن شریعت و رسالت خطیر و مسئولیت آن در برابر رویدادهای نوبه نوی جامعه؛

۲. شناخت عمیق و دقیق همه جانبه عناصر اصلی و زیربنایی شریعت و ارج

نهادن به آن در مقام استنباط و پرهیز از غیر آنها؛

۳۷. همان، ص ۴۷، منشور روحانیت.



۳. توانایی بررسی ملاک‌های احکام در بستر زمان از راه عقل و در مسائل غیر  
عبادی؛

۴. توانایی بررسی کارشناسانه موضوعاتی که در لسان ادله اجتهادی قرار  
گرفته‌اند؛

۵. اجتهاد بر اساس ادله معتبر شرعی؛

۶. آسیب پذیر و شیفته نشدن در برابر آراء و فتاوی فقهای گذشته؛

۷. توجه به آسان‌گیری شریعت؛

۸. سعی برای درك واقعت‌های زمان؛

۹. پذیرش قانون تحول اجتهاد.<sup>۳۸</sup>

روح سخن ایشان آن است که یکی از تأثیرات حکومت اسلامی و به وجود  
آمدن نیازهای نوین، منجر به تغییر در شرایط مجتهد شده است که از همین رهگذر  
فقه به تحول و افزایش توان پاسخگویی رسیده است.

#### نتیجه

وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام مبتنی بر فقه شیعه تأثیر اساسی خود را در  
مواجهه فقها با مقوله حکومت گذاشت؛ چون به دست‌گیری قدرت و مواجه شدن  
با مسائل مختلف فکری و اجرایی منجر به حل آنها از طریق مراجعه به فقه و یافتن  
پاسخها در فقه گردید. مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی، در نحوه نگاه فقها به مسائل  
نوپدید بود، به گونه‌ای که موجب شد افق‌های جدیدی پیش روی فقها گشوده  
شود. از جمله این افق‌های فکری ایجاد شده، نگرش پویا و تحول‌یافته به فقه،  
تغییر نگاه به رابطه مردم و حکومت، تلاش در جهت سازگار کردن میان احکام

۳۸. جناتی، نقش حکومت اسلامی در شکوفایی و گسترش فقاقت (مجموعه آثار امام خمینی و

حکومت اسلامی)، ج ۸، ص ۹۴ - ۹۰.

فقهی و واقعیت‌های اجتماعی - سیاسی و فراهم شدن زمینه‌های تتبع فقهی بود. نگاه نظام‌وار به بحث ولایت فقیه، برداشت‌های مردم‌گرایانه از فقه سیاسی و طرح مردم‌سالاری دینی و روشن شدن برخی زوایای مغفول فقه سیاسی از دیگر موارد افق فکری ایجاد شده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اشرفی شاهرودی، مصطفی، «همسویی فقه با تحولات و نیازهای جامعه»، مجموعه مقالات آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی (ره)، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، سال ۱۳۷۴.
۴. جناتی، ابراهیم، «نقش حکومت اسلامی در شکوفایی و گسترش فقاہت»، مجموعه آثار امام خمینی و حکومت اسلامی، ج ۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، سال ۱۳۷۸.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، استفتائات، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۶. \_\_\_\_\_، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، ۱۳۷۳.
۷. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۵، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳.
۹. زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، (رساله محمدحسین تبریزی) تهران، نشر کویر، اول، ۱۳۷۴.

۱۰. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران، نشر خوارزمی، ۱۳۷۳.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳.
۱۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (به همراه قانون اساسی مشروطه)، مصوب ۱۳۵۸، نشر جمال، ۱۳۸۶.
۱۳. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
۱۴. \_\_\_\_\_، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴.
۱۵. \_\_\_\_\_، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، نشر صدرا، ۱۳۷۱.
۱۶. تقوی، سید مرتضی، «تحول موضوعات در فقه»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، شماره ۳، ۱۳۷۴.
۱۷. مؤمن، محمد، «تزامم کارهای حکومت اسلامی و حقوق اشخاص»، فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، شماره ۵ و ۶، ۱۳۷۵.
۱۸. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، سوم، ۱۳۸۱.
۱۹. ندری ایبانه، فرشته، «مبانی نظری جمهوریت از دیدگاه عقلی و معارف اسلامی»، در جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران، سازمان مدارك فرهنگی، ۱۳۷۷.